

قیمت: قبلاً حساب شده:

به همت شهرداری
بزرگ‌ترین مجموعه
ورزش‌های ساحلی شرق کشور
در مشهد افتتاح شد



کارتون: محمدعلی رجبی

کلیک / صفحه ۸

جوجه را آخر
پاییز بشمریم!

کبر کتی / صفحه ۵

اول افزایش تورم بود
یا افزایش دستمزد؟

سرکن / صفحه ۲

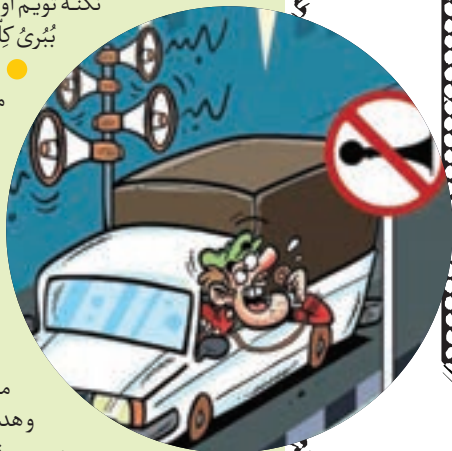
سکوت از رضایت نیست
گوشت اهل شنیدن
نیست!

سکوتتم از رضایت نیست گوشم اهل شنیدن نیست!

● پرار گُلم! ای خط واحد که زد رفت، خط چند بود؟ پرار؟
باشما! یرگه! پری چی جواب نیدی؟! با توئیم!
● آجی! ببخشین، ای خط واحد که زد رفت، مال کُجه بود؟
حاج خاتم باشما! مگر کری؟!
● هُو بچگه! چَلغوز! ای خط واحد که...
● تیره پری چی هیچ که جواب مور نمیده؟! اصلن پری چی
نُمشُفن مو چی مُگم؟! نکنه عین تو فیلم مو مُردم و روحم
دلنگونه بین زمین و هوا که صدام ر نُمشُفن! حتمنی دیشب
که او سلط شله ر خوردم، یسگین رفتم و تو هم خواب قلبم
گیرفته ئ مُردم!

● چی شده برادر؟! چرا پریشونی؟!
● انا! تیره تو صدام ر مُشُفنی؟! خدار شُکر! فیکر کردم مُردم!
هم باهرکی حرف میزنم، انگار همه کر رفتن. اصلن
نکنه توئیم او فرشته گه بی که آمدی مور
بُبری کله کنیم سمت بهشت؟!
● نه برادر! مردم کر نشدن،
منم فرشته نیستم! مگه
نشنیدی که، «آلودگی
صوتی مشهد بیشتر
از حد استاندارد کشوری
است»؟ این قدر توی
مشهد سرو صدا هست
که اگه می خوای توی
شهر تردد کنی و روح
و روانت سالم بمونه،
مجبوری یا هندزفری و ایرپاد
و هدفون بذاری توی گوشت
و موسیقی گوش بدی، یا پنبه و
دستمال کاغذی و گوش پاک کن فرو کنی
توی گوشت تا صدا های نا هنجار توی شهر رو نشنوی. واسه
همینه که باهرکی حرف می زنی، کسی صدات رو نمی شنوه!

● ای پرازمه بگردم! پس اینچه ی که بایست بیکی، سوکوئتم
از رضایت نیس، گوشم اهل شُفُتن نیس!



صفحه ۲
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۱

مَشْه ای جور بهر؟! خسرو آبادیان



صرفه جویی به این می گن!

آذر ۱۴۰۳: معاون اجرایی رئیس جمهور، دفتر
رئیس جمهور یا حداقل انرژی کار می کند. در نشست
هیئت دولت فقط برای فیلم برداری اجازه
روشن کردن چراغ ها را می دهند.

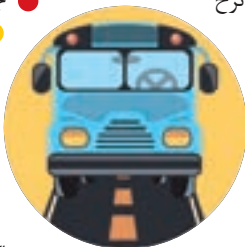
دی ماه ۱۴۰۳: معاون اجرایی، در نشست
هیئت دولت، اعضای کابینه به علت بحران آب،
میوه های روی میز را نشسته می خورند و فقط
وزیر بهداشت اجازه دارد میوه اش را زیر شیر آب بگیرد و بشوید.

اسفند ۱۴۰۳: در ابتدای جلسه امروز وزیر علوم گفت: از لحاظ علمی ثابت شده است هنگامی که به چیزی
فوت می کنیم، بادش خنک است، اما هنگامی که ها می کنیم، بادش گرم است؛ آن هم باینکه هردو
را بایک دهان پدید می آوریم. لذا امروز که برای رفع ناترازی انرژی سیستم های گرمایشی خاموش است،
باها کردن خودتان را گرم کنید. گفتنی است چند دقیقه بعد آمبولانس آمد و وزیر علوم و دو وزیر دیگر
را که دچار سرمازدگی شده بودند، به بیمارستان برد.

فروردین ۱۴۰۴: معاون اجرایی، در نشست امروز هیئت دولت حتی برای فیلم برداری هم اجازه
روشن کردن چراغ ها داده نشد و قرار شد از فیلم های آرشیوی برای انعکاس اخبار امروز هیئت دولت
استفاده شود.

خط و خط فرزانه زینلی

● الو، آقا مظنه بیت کوین چنده؟
● خط رو خط شده، اینجا فقط نرخ
بلیت اتوبوس بین شهری داریم.
● عه شما راننده این؟! آقا
شما که دستتون توی تحلیله،
بالاخره تهش چی می شه؟
● بیت کوینا رو بفروشم
یا همسترا رو؟
● ته هر چیزی خوب می شه.
اگه خوب نشد، هنوز به تهش
نرسیده. البته قضیه خیار کلا فرق داره.
اون تهش همیشه تلخه.
● نه، واقعا! الان کره چه خبره؟
● کدوم کره؟
● شمالی دیگه!



● نمی دونم والا.
● جنوبی چی؟
● اون رو هم نمی دونم!
● پس چرامی پرسی؟
● برای اینکه بدونم کدوم رو
نمی دونم خب. از قدیم گفتن آن
کس که بداند که نداند... نداند
دیگه... تحلیل رو از اهلس بگیر.
یه توک پا برو خیابون اصلی، یه
تاکسی مشتی بگیر، تحلیل روح حال کن.
● نمی شه اسنپ بگیرم؟
● گرفتی ما رو داداش؟ از اسنپ نهایتا بتونی
تحلیل دربی رو بگیر.
● تحلیل استیضاح رئیس جمهور کره که دیگه
تاکسی نمی خواد... الو، الو... ای بابا.

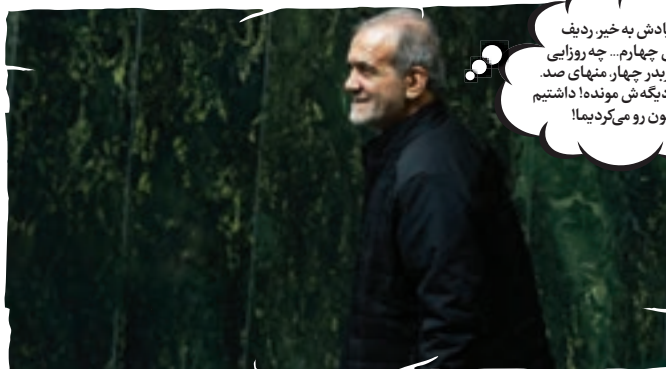
کُخ تو کُخ منصوره احمدی

در حاشیه حضور سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران



یه دستیار هوش مصنوعی
بسازن بفرستمش بین خبرنگارا و عین
بلبل جواب بده، روشن رو کم کنه (یا
چینگشون رو ببنده)، من هم عین الان
وایستم اینجا خانومی کم... هی... می
شه؟

حضور رئیس جمهور در صحن علنی مجلس شورای اسلامی



هی... یادش به خیر، ردیف
سوم صندلی چهارم... چه روزایی
بود... ۳۶۵ ضربدر چهار، منهای صد.
هنوز ۱۳۶۰ روز دیگه ش مونده! داشتیم
زندگی مون رو می کردیم!

حضور وزیر اقتصاد در جمع خبرنگاران



۲ هیش! دلار ۷۱/۵ بیشتر نیست
و حتی ۷۲ رو تاج هم نکرده!
سیاه نمایی ممنوع!

۱ قربان فعلا رکورد بالاترین نرخ
ارز بامبلغ ۷۲ هزار تومن دست
شماست، چه دفاعی داریم؟

صحن علنی مجلس شورای اسلامی



۲ بعله که هست، از همه چی
پلاستیکی ش هم هست.

۱ اشیا از «ن» نوشته «ناترازی پلاستیکی»!
تازه اسنپ هم می ده! خط بز مرد حسابی.
این هم شد اشیا؟

صحبت قبل از عذاب الیم!

چاک خواهم زدن این دلق ریایی، چه کنم؟

روح راصحبت ناجنس عذابى ست الیم

دلبر از ما به صد امید ستد اول دل

ظاهرا عهد فرامش نکنند خلق کریم

فکر بهبود خود ای دل ز دری دیگر کن

درد عاشق نشود به، به مداوای حکیم

حافظ ار سیم وزرت نیست، چه شد؟ شاکر باش

چه به از دولت لطف سخن و طبع سلیم

این جور که از مصرع اول بیت اول مشخص است، جناب حافظ خیلی عصبانی است که حتی می خواهد لباسش را از عصبانیت پاره کند! در مصرع دوم دلیلش را اعلام می کند که همانا صحبت های اخیر مسئولان است که خودش عذاب الیم است و نتیجه اش الیم تر! در بیت دوم خواهه اشاره مستقیم به رئیس جمهور (دلبر) دارد و می گوید اول، یعنی قبل انتخابات، کلی با حرف و وعده و وعید دل مار برد! حالا فکر کرده است مایعنی خلق کریم همه چیز را فراموش کرده ایم! در بیت بعد خیلی مستقیم تر و واضح تر اشاره می کند به رئیس جمهور (حکیم) و در عین ناامیدی، می گوید این مشکلات ما با این رویه دولت مداوا نمی شود! در بیت آخر حافظ ناگهان یاد حرف های وزیر اقتصاد می افتد که گفته بود پیش از اصلاح قیمت حامل های انرژی با مردم صحبت می کنیم! در نتیجه در حالی که کار دزدی خونش در نمی آید، می گوید: به به! خدا را شکر... خدا را شکر که پیش از گران کردن همه چیز، می خواهند با ما صحبت کنند! دیگر چه چیز بهتر از این؟!



در حاشیه خبر طراحی دستیار هوش مصنوعی برای رئیس جمهور



صفحه ۲
۱۷ آذر ۱۴۰۲
شماره ۱۲۱

چه کسی دریای من را برداشته است؟

«آنچه یافت می نشود» ترین هفته:

رئیس جمهور گفته است برای اینکه حقوق بازنشستگان و پرستاران را بدهیم، باید پول پیدا کنیم. حالا سؤال اینجاست که وقتی دکل نفتی با آن همه عظمت و یال و کوپال گم می شود و پیدا نمی شود، چرا باید توقع داشته باشیم بتوانیم یکی دو بسته تراول ۱۰۰ هزار تومانی را پیدا کنیم تا به عنوان حقوق به بازنشسته ها و پرستاران بدهیم؟

«داداش اشتباه می زنی» ترین حرکت هفته:

سال ۱۳۹۵ کریستیانو رونالدو تصویری از تمرینات بدن سازی خود در اینستاگرام گذاشت و یک بدن سازی ایرانی زیرش کامنت گذاشت که: داری اشتباه می زنی داداش. چند روز پیش وزیر کشاورزی عضو تیم بدن سازی را به عنوان عضو هیئت مدیره در جهاد کشاورزی منصوب کرد و کسی نفهمید گلایل چه ربطی به شقایق دارد! امیدواریم این عضو تیم بدن سازی هم قید این پست و مقام را بزند و به وزیر بگوید: داری اشتباه می زنی داداش.

ساحلی ترین شهر غیر ساحلی هفته:

تنها چیز ساحلی که تاکنون در مشهد مشاهده کرده ایم، این پرچم های ساحلی چند میلیونی بود که بعضی مغازه ها جلوی مغازه شان می گذاشتند و مأموران برای رفع سد معبر آن ها را می بردند. اما این هفته خبر رسید که بزرگ ترین مجموعه ورزشی ساحلی مدرن شرق کشور در مشهد افتتاح شد. مثل اینکه هیچ چیز سر جایش نیست و اگر چند روز دیگر در سواحل آنتالیا به جای ورزش های ساحلی (!) شله مشهدی پخش می کردند، نباید تعجب کنیم.



همتی با اشاره به قیمت بنزین: یک بار برای همیشه باید به سمت اصلاح ناترازی برویم

گرانی نیست اسمش، ناترازی ست ز ما هم نیست، از دوران ماضی ست شده و قتش شود اصلاح قیمت کنون هنگامه تاریخ سازی ست

وزیر نفت: ناترازی به ما لگاز را قطع نمی کنیم

فقط بنزین نه، در بحث گازی شده کشور دچار ناترازی الهی مثل برق اعصاب ما را نگیرد دم به دم او هم به بازی

۷۵ درصد مردم توان خرید گوشت را ندارند

نگو با بنده از سردست و از ران ز یادم رفته کلامزه آن دچار ناترازی شد گمانم شبیه آن دو، نرخ گوسفندان

خطر تبدیل ایران به سال خوره ترین کشور

نمی ماند جوانی در خراسان نه در اینجا که در هر جای ایران همین طوری اگر باشد، به زودی شود ویلچر همه کالسکه ها مان



تأمین زمین از روی بارهوا

مسئول مصوبات قانون جوانی جمعیت اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی در گفت و گو با شهرآرا گفت: «از تاریخ ۲۴ آبان سال ۱۴۰۰ که قانون به ما ابلاغ شد، شروع کردیم و تا امروز مجموع آمار ثبت نام هادر استان ۶۳ هزار و ۵۱۰ نفر است. تاکنون تعداد متقاضیانی که بررسی و تأیید نهایی شده اند، یعنی در انتظار تأمین زمین هستند، ۳۰ هزار و ۴۴۲ نفر است. از این تعداد تاکنون برای ۷ هزار و ۵۶۰ نفر زمین تأمین کرده ایم.» اگر متوجه موضوع نشدید، به زبان ساده یعنی تا امروز ۶۳ هزار نفر برای مسکن ملی در خراسان رضوی ثبت نام کرده اند که ۳۰ هزار نفر تأیید شده اند، ولی فقط برای ۷ هزار نفر زمین هست. باز هم اگر موضوع را نگرفته اید، بخش هایی از گزارش کاریک مدیر را درباره این موضوع در ادامه بخوانید.

شنبه

امروز سامانه چیز افتتاح شد. سامانه چی بود؟ اسمش یادم نیست، فقط می دانم یک سامانه برای ثبت نام مسکن است. این سامانه توسط دانشمندان جوان کشورمان ساخته شده است. البته یک مدتی بالا نمی آمد، ولی به برادرزاده ام که یکی از طراحان این سامانه است، گفتم، اشکالتش را برطرف کرد. یادم باشد فاکتورهایش را هم امضا کنم.

چهارشنبه بعد

خبر رسیده است که بیش از ۶۳ هزار نفر در این سامانه برای مسکن ثبت نام کرده اند. باورم نمی شود که این همه آدم خانه نداشته باشند! مگر می شود؟! به هر حال این استقبال مردم هم برگ زرین دیگری است که در دفتر افتخارات ما ثبت شد.

چهارشنبه بعد

همکارانم در این مدت سخت مشغول بررسی آمار و اطلاعات ثبت نام کنندگان در سامانه بودند. از آن تعداد، ۳۰ هزار نفر واجد همه شرایط شده اند. گویا واقعا این تعداد از مردم خانه ندارند. خیلی عجیب است که چطور یک نفر در این کشور نتوانسته است یک خانه خوب بخرد؟ حالا افرادی که مثل ما مدیر هستند که دیگر خانه دوم و ویلا... هم باید داشته باشند.

چهارشنبه همان هفته

در جلسه امروز مشخص شد که فعلا فقط برای ۷ هزار نفر زمین داریم. یعنی ۲۳ هزار نفر دیگر باید در صف بمانند. حالا زمین همین ۷ هزار نفر هم آماده ولای کاغذکادو نیست و هنوز باید مراحل اداری اش طی شود. نمی دانم ما که زمین نداشتیم، چرا قولش را دادیم؟! چرا

شنبه هفته بعد

این دوسه روز فکرم خیلی مشغول بود برای تأمین زمین آن ۷ هزار نفر و آن ۲۳ هزار نفر دیگر. قرار شد برادرزاده من و داماد آقای مدیر و دختر آقای معاون یک سامانه جدید طراحی کنند تا این ۳۰ هزار نفر بروند دوباره در آن ثبت نام کنند. این طوری هم وضعیت آن ها بهتر و عمیق تر بررسی خواهد شد و هم ما وقت داریم که برای تأمین زمین یک فکری بکنیم.

سه شنبه چهارشنبه بعد

خوشبختانه این تمهیدمان جواب داد. نه که زمین تأمین شده باشد، نه. این طوری جواب داد که سامانه بالانمی آید و آن ۳۰ هزار نفر در مرحله آخر گیر می کنند و کار به نتیجه نمی رسد و چند ماه منتظر پیامک تأیید می مانند. تا ببینیم زمین از کجا می رسد. برای بعدش هم یک فکری می کنیم، یا یک سامانه جدید طراحی می کنیم، یا یک شرط جدید می گذاریم که باز چند هزار نفر را حذف کنیم، یا خود این افراد خانه دار می شوند، یا خسته می شوند و یا خدای نکرده از دنیا می روند. نهایتا شاید زمین هم جور شد.

سفری به اتاق های انتظار!



فرهاد ناجی

فرهنگ شهروندی

صفحه ۴
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۱

می کنید. اگر توان کسب مدال را ندارید، باید سعی کنید مانند دو مارتن فقط خود را به خط پایان برسانید. در برخی اتاق های انتظار افراد آن قدر به هم نزدیک هستند که گاهی ممکن است آدم را یاد مترو یا اتوبوس بیندازد. حتی در این میان، ممکن است یکی از بیماران در حال توضیح دادن جزئیات درد مزاجش باشد و شما به عنوان یک شنونده ناخواسته همه جزئیات زندگی او را از سر تا انتهای روده متوجه شوید. درواقع در این

پایین ساختمان، حداقل به تومن بکشین، بیارین بالا. به کی هم از این فرم بگیرین.» آخر نمی دانم کدام شیر پاک خورده ای به ایشان گفته است که عابر بانک روزی یک میلیون تومان وجه نقد می دهد! بعد از رد کردن این مرحله، وارد مرحله دوم می شوید. آه، اتاق انتظار! شما آنجا در محاصره افرادی که به نظر می رسد «انتظار» را به سطح المپیک رسانده اند، می نشینید و رقابت تنگاتنگی را برای کسب مدال شروع

به سال ۲۰۲۴ خوش آمدید؛ جایی که ماشین های پرنده و دستیاران هوش مصنوعی قد علم کرده اند، ولی هنگامی که به مطب پزشک خود مراجعه می کنید، شاید این حس را داشته باشید که وارد ماشین زمانی شده اید که روی سال ۱۹۹۹ قفل شده است. در اولین قدم، منشی به شما می گوید: «کارت خوانمون خرابه. پول نقد همراتون هست؟ اگر نیست، تشریف ببرین عابر بانک

اول افزایش تورم بود یا افزایش دستمزد؟



در حالی که تورم سال آینده ۳۰ درصد پیش بینی شده است. افزایش حقوق و دستمزد در لایحه بودجه فقط ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. با اینکه طبق قانون، حقوق ها باید مطابق تورم اعلامی بانک مرکزی افزایش یابد. برخی کارشناسان می گویند که قانون نموده؟! افزایش حقوق باعث افزایش تورم خواهد شد. به این معنی که دستمزد و تورم وارد یک دور باطل شده است و هر یک از این دو می شود. هر یک از این دو می شود. در نهایت دست کارمند و کارگر هم به دهانش نخواهد رسید که نخواهد رسید. برای رسیدن به پاسخ این معضل، در میزگرد چندمدیر و مسئول و کارشناس شرکت کردیم تا حرف هایشان را بشنویم. به شرطی که شاخ دریاوریم و خوابمان نگیرد!

مدیر ۱: در بهترین حالت تورم سال آینده ۳۰ درصد خواهد بود...

کارشناس ۲: آقادلون خوشه ها! ۳۰ درصد برو بالاتر!

مدیر ۱: حالا ما می گیم ۳۰. شما هم بگو ۳۰!

مسئول ۳: خب پس طبق قانون باید دستمزد و حقوق رو هم دستکم ۳۰ درصد اضافه کنیم.

مدیر ۴: ۳۰ درصد؟ از کجا بیاریم؟ بابا نداریم. به چی به چی قسم نداریم... بیا شما کف این دست رو ببین. اگه مو دیدی، بکن!

مدیر ۱: مهندس، حالا شما آرامشت رو حفظ کن. یک کاری می کنیم.

کارشناس ۲: مثلاً می خواین چی کارش کنیم؟ پول چاپ کنیم یا یک صفر از جلوی تورم برداریم؟

مسئول ۳: تالعله آخر صبر می کنیم. شاید فرجی شد، معجزه شد و تورم کم شد!

(همه می خندند و چای می نوشند)

مدیر ۴: باباجان خود همین افزایش حقوق باعث افزایش تورم می شه. چرا کسی این رو نمی فهمه؟

مدیر ۱: شما الان داری می گی که ما نفهم

هستیم؟! (از روی صندلی اش نیم خیز می شود که مسئول ۳ دستش را می گیرد و روی صندلی می نشاند).

مسئول ۳: بچه ها با هم دوست باشیم. باید به به نتیجه ای برسیم که از این اتاق رفتیم بیرون به خبرنگارای سمجی که جلومون سبز می شن، جواب بدیم.

کارشناس ۲: می شه الان اعلام کنیم که حقوق رو علی الحساب ۲۰ درصد اضافه می کنیم. ولی سال بعد اگر تورم بیشتر شد، حقوق رو هم بیشتر اضافه می کنیم. تا سال بعد کی مرده، کی زنده؟ اصلاً شاید ما سر این شغل نباشیم و مثلاً رفته باشیم شرکت نفت یا مدیر یک پتروشیمی و رئیس یک فدراسیون شده باشیم و دیگه هم لازم نیست جواب بدیم به کسی.

مدیر ۴: آقانی می شه... نمی شه... مردم گناه دارن، دارن زیر بار تورم له می شن.

همه باهم: وای چقدر حرف می زنی دکتر! ما گناه

نداریم؟

مدیر ۱: لابد توقع داری از حقوق خودمون بدیم به کارمند و کارگر؟

مسئول ۳: شاید هم انتظار داری که تورم رو کم کنیم؟

کارشناس ۲: دوستان گوش بدین. به فکر بکر! بگردین ببینین چه اصطلاح اقتصادی زیر ۲۰ درصد داریم: تورم نقطه به نقطه، خط به خط، شاخص فلاکت، ضریب جینی، فائینانس... چه می دونم. به چیزی پیدا کنیم و بگیم این شده ۱۹ درصد، ما هم حقوق رو ۲۰ درصد اضافه می کنیم. تا کسی هم بخواد بفهمه چی به چی، باز به جمعه، به قانون من در آوردی دیگه یا شایعه رفع فیلترینگ و ایناراه می افته و مردم یادشون می ره. اوکی؟

همه باهم: اوکی!

نفری یک موز برمی دارند و بالبخند به پشتی صندلی تکیه می دهند.



اتاق دیگر حریم خصوصی معنایی ندارد. زیرا همه چیز با همه افراد به اشتراک گذاشته خواهد شد.

سرانجام: پس از شکست رکورد صبر، نام شما خوانده می شود. شما به اتاق معاینه می روید. ولی از دکتر خبری نیست. تعدادی دانشجو و گاهی دانشجویان آزمایش های لازم را از شما می گیرند و نتایج را داخل فرمی که در دست دارید، یادداشت می کنند و دوباره شما را به ادامه رقابت برای کسب مدال به

اتاق انتظار دعوت می کنند. چند ساعت بعد اگر زنده ماندید، نوبت شما فرا می رسد تا روی گل دکتر را ببینید.

بله، به پایان سال ۲۰۲۴ نزدیک می شویم. در حالی که جهان ممکن است با سرعت برق آسا از فناوری های نوین استقبال کند، در مطب دکتر، ما هنوز در دنیای پارینه سنگی به سر می بریم. پس این بار که وارد مطب پزشک می شوید، با خودگزر و پلخمون همراه داشته باشید.

همتی:

که سرپرستان خانوار زیر پاستستان

اگر یارانها بی پنهان، هدفمند شود، کسری بودجه نخواهیم داشت

روده اند، پیرا

وزیر نفت:

نگران نباشید،

سی قبض آبش رانند

مهرزادی داریم ولی

گازش را قطع

نمی کنیم

باشگاه اینتر اعلام کرد

فروش طارمی

به منظور خرید

صلاح

نیست

وزیر بهداشت:

مدیران بانکها در پرداخت وام فرزندان

کوتاهی نداشته اند

وزیر اسبق صمت:

تخاوری که بدیم، این است که از وضع موجود در صنعت خودرو متأسفیم

وزیر خلیج فارس:

ترکیه و خانی در تحولات حلب ندارد

فلبه طارفته در خودروهای داخلی شباهتی به

مرکز پژوهش های مجلس:

اسیدواریم افزایش

صورت نمایندگان مجلس

اقتصاد در سال

آینده با کاهش

رشد اقتصادی،

افزایش تورم

و گسترش فقر

مواجه خواهد شد

تحت تأثیر قرار نگیرد



(تجارت نیوز)

نخود ولویای ایران سرازیر سفره خارجی ها شد.

با توجه به سردی و نفخ زیاد این حبوبات، به نظر شما خرید بعدی خارجی ها چه خواهد بود؟



آرش آریایی

تفاوت رهبران کره جنوبی در سریال ها با واقعیت



سریال ها

واقعیت

صفحه ۶
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۱

یکی این گل ممد رو جمع کنه. عه؟! شما م آقای دکتر؟ فکر می کردم فقط ما تلاش می کنیم. البته نه برای پیدا کردن، که برای درآوردن پول. درهم می آریم، ولی یه کم پولامون چیزه، زارتنی به چخ می ره. شما چی می گین بهش؟ ها ناترازه! یعنی پول هست ها، ولی کم است! به قول وزیر اسبق کشاورزی «نمی دانیم چه خاکی به سرمان بریزیم» طوره! صبرت خسته نشه #تلاش هایت را دنبال کن!



کارتک غیر ساده کتجدی

سلام ارباب، گل مراد هستم، پسر عموی عبدالفلان که پیش شوما کار مکرد. حقیقت در حفاری یک مقدار سکه طلا جستم، یک بادشا روشن هست و چند تا مجسمه تاجدار است، نوشته بر جان خود دارند. گوتم بیثم متانی برما فروشان شان کنی؟ هرچه باشد نصف بر تو، نصف برمه. جان مادرت بر کسی گفته نکن.



گل مراد اتباع زاده

رئیس جمهور در گفت و گوی تلویزیونی با مردم: تلاش می کنیم پول پیدا کنیم.

(خبر تلایین)

ما هم آقای رئیس جمهور، ما هم! الان کدوم شاسکولی می آدسکه ۵۲ میلیونی ش رویده من بکارم؟ هنوز چالش نکردی و تا می آی روش خاک بریزی، توی همون چند ثانیه، شیرین چند میلیون کشیده بالا. خارجم نیستیم که یه موز رو تپ بچسبونیم بر دیوار، یه ازگلی پیدا شه شیش هفت میلیون دلار بالاش پول بده. باید با مردم صادق بود. فعلا پول توی دلالتی واردات ماشین خارجی به بین کی گفتم!



گربه نره



صفحه ۷
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۳۱

این قدر خ نیست!



● عزیزم چرا پیامم رو پاسخ ندادی؟ از صبح نگرانتم. نکنه وی پی ان ت وصل نمی شه؟!
● نه عزیزم، وی پی ان چیه! اینترنت ما عاشقا که فیلتر نیست! پای میز توالت داشتم آرایش می کردم، گوشی م رو نیگا نکردم.
● تو که نیاز به آرایش نداری خوشگلم! عکس توی خینستا می داری، می آد توی اکسپلورر، اصلا گاهی من غیرتی می شم!
● آره واقعا. اینستا هم دیگه شورش رو درآورده. بد نیست به کم فیلترش کنن، نه!
● نه بابا، مگه آزادی چشه؟! این رو هم فیلتر کنن، دل بندیم به خیلان خاسک و اینترنت خستار خینک خفاشا؟!
● اصلا من خودم گاهی خسته می شم از اینترنت آزاد. از خینستا به خوتیوب، از خوتیوب به خیکس! همه جاکامنت می دارن و پیام می دن که عکس بذار از خودت.
● عکس بذار ولی نه دیگه اون جورى.
● مگه فضا باز نشده؟!
● فکر نکنم. این قدر هم دیگه فضا رو باز نمی کنن! حتی به فارسی سخت!
● آره، واقعا عزیزم. ما که این مایندیم هم با این قدر آزادی راحت نیستیم!
● اصلا به خاطر همین روزامی تمرگیم توی خونه و شبامی ریم دوردور! بیست و چار ساعت که نمی شه آزاد بود!
● ولی چه فایده که توی خونه حواست به من نیست؟! همه ش چسبیدی به لبه سپر جلوی ماشینمون و مشغول بررسی کردن روغن ریزی ماشین توی حیاط

● خونه ای!
● نه عزیزم، من فابریکم این جوریه! ولی همون جاهم دارم به ریخت تو فکر می کنم! تو کلا توی مخ منی!
● خونه هم که می آی، می شینی پای خلوزیون!
● خب خوبی ش اینه که حوصله مون سر نمی ره. برنامه خانواده، ساعت خوش، خودرو تهران ۱۱، کارتون خپل و خبر ساعت ۲۱ خیلی خفنه!
● راستش رو به من بگو.
● دارم راستش رو می گم. فقط همینا خیلی خفن و خاصن. خوراک خودمه.
● نه، راستش رو بگو؛ پول کم آوردی، رفتی اسپانسرگرفتی برای ستون؟!
● چیزه... ولی خیلی نیست. خب راستش می خوام هم خودرو ثبت نام کنم. هم نمادهای خ بازار بورس به کف خودش رسیده، می خوام بخرم!
● نه، تو از دو جا اسپانسرگرفتی! هم از خلوزیون و هم از فرهنگستان زبان فارسی با این همه واج آرایشی توی جمله ت! در زبان خارسی کهن هم این قدر خ نیست!
● نگو خوشگم. تو خیلی خیلی خیلی خوبی!
● همچنان در حال تبلیغ اسپانسرى! خر خودتی!

مصطفی میرسلیم:

من از وسایل نقلیه عمومی استفاده نمی کنم، چون باید سر وقت برسم

(خبر آنلاین)

رضا پهلوی:
من از عقلت استفاده نمی کنم، چون اجدادم هم استفاده نمی کردند و راضی بودند.



قلعه نویی:
من از تاکتیک ماکتیک در تیمم استفاده نمی کنم، چون باید حریف را گیج کنیم.



محمد حسین مهدویان:
من برای ساخت «زخم کاری» از فیلم نامه استفاده نمی کنم، چون همه قرار است در سریال بمبیرند. چه کاریه؟!



یک خودرو ساز:
من از خودروهای تولیدی خودمان استفاده نمی کنم، چون می خواهیم زنده بمانیم.



حسن مجیدی، داماد پزشکیان:
من از موقعیت پدرزنم استفاده نمی کنم، چون خودم شایستگی های لازم را دارم.



آن دل‌فرب و نازو رؤیایی

گلی خوش رنگ و خوش بو، رشک هر گلزار، دانشجو
بتی شورا آفرین و شوخ و شیرین کار، دانشجو
عزیزی، نازنینی، ماه رویی، سروبالایی
شمیم دل نشینی، طبله عطار، دانشجو
پروبالش قشنگ و دل‌فرب و نازو رؤیایی
فقط کم دارد از طاووس یک منقار، دانشجو
ندارد هیچ کم از سوپرستاران قلابی!
بود حتی سر از رادان و از گلزار دانشجو
اگرچه خانه‌ای از خود ندارد طفلکی، اما
به نامش هست در مشهد کنون بولوار، دانشجو
درون خوابگاهی همه ششصد نفر یکجا
بود از هرچه امکانات برخوردار دانشجو
به عنوان مثال از سلف می‌گیرد به ظهر و شب
غذایی خوش مزه با طعم زهر مار دانشجو!
شده استاد زیرآبی ز غیبت‌های بی‌دری
از این رو می‌توانش گفت دربار دانشجو
اگرچه بر سرکاریم یک عمری تمام ما
چرا بعد از فراغت می‌شود بیکار، دانشجو؟
به این علت که دانشگاه مثل قارچ روییده
شود تولید در هر سال صد خروار دانشجو!
نبینی هیچ گوشی را بد هکار سخن‌هایش
اگرچه می‌نویسد دم به دم طومار، دانشجو
سراغش را نمی‌گیرند جز در روز مخصوصش
و آن هم هرکجا نه، بلکه در اخبار، دانشجو!
همان لحظه که می‌گوید میان بیست و سی، مجری:
«چنان خاری است در چشمان استکبار، دانشجو»
ز کل ثروت دنیا چه بهره برده تا اینجا؟
دو تا دفتر، سه تا جزوه و یک خودکار دانشجو
مگر جزوه کند امداد او را، ورنه می‌ماند
دگر تا آخر عمرش بدون یار دانشجو!
نباشد بخت اگر یارش در این ره، زود می‌گیرد
ز باران طریقت ناگهان اخطار، دانشجو
و این اخطار می‌باشد برای بار اول، چون
کند یک بار دیگر هم اگر تکرار دانشجو...
بزاید گاو زیبایش همان جا صدقلو، یعنی
شود این بار دیگر بی‌گمان احضار، دانشجو
الهی ختم گردد کار او با ازدواج آخر
رود با هم‌کلاسی جانب تالار، دانشجو

شوخی

الهی!
جوانان را یاری کن تا بتوانند شغلی آبرومند پیدا کنند و نیز برای
تأمین ناترازی‌های زندگی و به عنوان شغل دوم و سوم، رئیس
فدراسیون‌های ورزشی هم باشند!

پنجشنبه
ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب‌امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سیدمجتهد موسوی‌مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع‌هاشمی
دبیر: سیدمجتهد از رنگ‌حاشی
دبیر: بلخمون: مجتبی نخعی‌راد
صفحه آرایی: سید هاشم دقیق
پیش‌بک: ۳۰۰۷۲۸۱
دریافت نسخه الکترونیکی از: shahraraneews.ir

جوجه را آخر پاییز بشمریم!

چند ماه است ماتامی آییم دستاوردهای بی‌شمار این چند ماه را
بشماریم، دوستان اشاره می‌کنند جوجه را آخر پاییز می‌شمارند!
با اجازه دوستان، این هم آخر پاییز برویم ببینیم در حوزه‌های
مختلف جوجه‌ها چه وضعیتی دارند:

